

مطالعه‌ی مقایسه‌ای ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب روسیه

علی مرشدی‌زاد^۱
عباس کشاورز شگری^۲
مهديه رهنمای باغسرخ^۳

چکیده

هدف این مقاله شناخت مقایسه‌ای ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب روسیه است. روش مورد استفاده در این پژوهش مقایسه‌ای و تحلیل اسنادی است. ابزارگردآوری اطلاعات فیش‌برداری از کتب، مقالات و اسنادی است که اطلاعاتی در خصوص موضوع مربوطه در بردارند. شناخت ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب روسیه و مقایسه‌ی دو انقلاب از این حیث، توسعه و ارتقای سطح آگاهی‌های جامعه در این زمینه را در بردارد و در جهت نشر معارف در زمینه انقلاب‌ها و شیوه‌ی بروز آنها در جوامع باری می‌رساند. بنابراین انجام پژوهش‌های علمی در جهت توسعه‌ی ادبیات نظری مربوط به این ابزارها و شیوه‌ها دارای اهمیت و ضرورت است. سؤالی که این مقاله در پی پاسخگویی به آن است؛ این‌گونه مطرح شده است که ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب روسیه چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با هم دارند. بر طبق یافته‌های پژوهش بعضی از ابزارها و شیوه‌های بسیج مانند سخنرانی، اعلامیه و مطبوعات در انقلاب‌های دو کشور به صورت مشترک مورد استفاده واقع شدند و با یکدیگر تفاوت‌ها و شباهت‌هایی داشتند. همین‌طور تعدادی از ابزارها و شیوه‌های اعتراض هم که شامل راهپیمایی، اعتصاب، شعار، ترمز و طغیان ارتش، حمله به اموال و اماکن، ترور، مبارزه مسلحانه، ارسال نامه‌های اعتراض‌آمیز، پرتاب اجسام به سمت پلیس و ضرب و شتم مسئولان رژیم بودند در هر دو کشور در شرایط انقلابی مورد استفاده انقلابیون قرار گرفتند و دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بودند.

کلید واژه‌ها: ابزارها و شیوه‌های بسیج، اعتراض سیاسی، انقلاب اسلامی، انقلاب روسیه، اعتصاب.

Email: morshedizad@shahed.ac.ir

۱- دانشیار دانشگاه شاهد

Email: keshavarz@shaed.ac.ir

۲- دانشیار دانشگاه شاهد

Email: mahdiehrahnama@chmail.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۲۲

مقدمه

یکی از مهمترین عناصر انقلاب، بسیج سیاسی است. هنگامی که مردم در جامعه‌ای خواهان انحلال حکومت موجود و جایگزینی آن با حکومتی جدید از طریق انقلاب هستند، لازم است به صحنه آمده و اعتراض خود را بیان نمایند. بنابراین در مرحله‌ی شکل‌گیری انقلاب‌ها، مردم با ابزارها و شیوه‌هایی بسیج شده و پس از ورود به صحنه‌ی انقلاب، با استفاده از ابزارها و شیوه‌هایی مراتب اعتراض خود را اعلام می‌کنند. یکی از نظریه‌پردازان از شیوه‌هایی همچون برگزاری جلسه، صدور بیانیه، برپا کردن تظاهرات و... به‌عنوان اعمال جمعی نام می‌برد که گروه‌های مخالف و معارض برای رسیدن به هدف خویش از آنها بهره می‌جویند (Gamson, 1975: 159).

مطالعه تاریخ ایران نشان می‌دهد که مردم این کشور در طول تاریخ شیوه‌های خاصی جهت بسیج شدن و اعلام اعتراض داشته‌اند که با توجه به نفوذ مذهب در میان آنها، همواره شخصیت‌های مذهبی در بسیج کردن مردم و تعیین شیوه‌های اعتراضشان نقش اساسی ایفا کرده‌اند. انقلاب اسلامی ایران برخلاف انقلاب‌های دیگر نه از طریق توسل به خشونت، بلکه با استفاده از وسایل غیر خشونت‌آمیز توانست پنجمین قدرت نظامی دنیا را شکست دهد (Abrahamian, 1980: 26).

در مورد انقلاب روسیه نیز وجود ابزارها و شیوه‌های گوناگون بسیج و اعتراض قابل مشاهده است. از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷، نظام سیاسی، اقتصادی و دولتی روسیه به کلی فروپاشید. طبقات گوناگون که مهمترین آنها کارگران، دهقانان و سربازان بودند، خواهان انحلال رژیم حاکم گردیدند. آنها با شیوه‌های گوناگونی اعتراض خود را نسبت به شرایط حاکم بر جامعه اعلام می‌کردند.

در بررسی اولیه‌ی انقلاب‌ها در دو کشور ایران و روسیه، پیدا کردن نقطه‌ی مشترکی به منظور انجام مقایسه میان آنها آسان به نظر نمی‌رسد. به قول تیم مک دانیل^۱ «چگونه می‌توان انقلابی به رهبری لنین را با انقلاب ملهم از [امام] خمینی مقایسه کرد؟» (فرهی، ۱۳۷۵: ۲۱۴). با این حال می‌توان ویژگی‌های مشابهی میان انقلاب‌های ایران و روسیه یافت. یکی از این مشترکات استفاده از ابزارها و شیوه‌هایی به منظور بسیج مردم و همین‌طور اعلام اعتراض توسط آنها در هر دو کشور است. این مقاله ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض را در دو کشور با هم مقایسه کرده و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را ذکر می‌کند. لازم به ذکر است که بازه‌ی زمانی مورد نظر این پژوهش در مورد انقلاب اسلامی ایران سال‌های ۵۶ و ۵۷ شمسی (۱۹۷۹-۱۹۷۸ میلادی) و در مورد انقلاب روسیه میان سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷ میلادی را شامل می‌شود. سؤال پژوهش حاضر این است که ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب روسیه چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با هم دارند. به منظور پاسخگویی به این سؤال از روش مقایسه‌ای و تحلیل اسنادی استفاده شده است.

مبانی نظری

تاکنون نظریات متفاوت فراوانی در باب پدیده‌ی انقلاب توسط اندیشمندان ارائه گردیده است. این نظریات به شیوه‌های مختلفی توسط محققان دسته‌بندی و مطالعه شده‌اند. پژوهش حاضر به منظور مروری بر نظریه‌های انقلاب، از نوعی دسته‌بندی پیروی می‌کند که نظریه‌پردازی در باب انقلاب‌ها را در طول زمان به سه موج کلاسیک، توصیفی و تبیینی تقسیم نموده است. موج اول، نظریه‌های کلاسیک انقلاب را شامل می‌شود. موج دوم مربوط به نخستین تلاش‌های عمده‌ی علمی برای تحلیل پدیده انقلاب است و در موج سوم به نظریه‌های متأخر که در صدد تبیین انقلاب هستند، پرداخته شده است. نظریه‌های متأخر به دو سطح خرد و کلان تقسیم شده‌اند که نظریه‌های روانشناسی و گزینش عقلانی (اقتصادی) در سطح خرد و نظریه‌های جامعه‌شناسی و سیاسی در سطح کلان مطالعه گردیده‌اند (مشیرزاده، ۱۳۷۵: ۱۱۹).

نظریه‌پردازان زیادی را می‌توان در زمره نظریه‌پردازان کلاسیک قرار داد که در اینجا مجال پرداختن به آنها وجود ندارد. لذا اشاره مختصری به نظریات مهم‌ترین نظریه‌پردازان کلاسیک انقلاب یعنی مارکس، دورکهایم و ماکس وبر صورت می‌گیرد.

از نظر مارکس زمینه‌ی انقلاب وقتی فراهم می‌گردد که تضاد میان دو طبقه استثمارگر و استثمار شده با تضاد میان نیروهای تولید (به معنای ظرفیت یک جامعه در تولید) و روابط تولید (روابط مالکیت) همراه شود. در شرایطی که بحران، رکود و نابسامانی اجتماعی زمینه‌ی عینی انقلاب را فراهم می‌کند، وجود آگاهی طبقاتی در میان طبقه تحت استثمار نیز به‌عنوان زمینه‌ی ذهنی انقلاب لازم است (مشیرزاده، ۱۳۷۵: ۱۲۰).

از نظر دورکهایم مبنای نظم جامعه عاملی اخلاقی است نه عوامل سیاسی یا اقتصادی. به نظر او کشاکش‌های سیاسی در شرایط فقدان همبستگی و وجدان جمعی پدید می‌آیند. دورکهایم میان کج‌رفتاری‌های اجتماعی و رفتار سیاسی جمعی سنخیتی مشاهده می‌کند و همه‌ی آنها را برخاسته از وضعیت فقدان همبستگی و وجدان جمعی می‌داند (بشیریه، ۱۳۹۰: ۵۰-۴۸).

ماکس وبر نظریه‌پرداز دیگری است که نظریاتش در زمره نظریات کلاسیک دسته‌بندی می‌شود. وبر به چهار نوع رفتار اجتماعی یعنی رفتار عقلانی معطوف به هدف، رفتار عقلانی معطوف به ارزش، رفتار سنتی و رفتار عاطفی اشاره می‌کند. او خصلت اصلی سیاست را سلطه می‌داند و با توجه به انواع رفتارها، سه نوع سلطه عقلانی، سلطه سنتی و سلطه کاریزماتیک را تشخیص می‌دهد. به نظر وی هم عقلانیت و هم کاریزما می‌توانند باعث تحول انقلابی علیه سنت شوند. به نظر وی بسیاری از انقلاب‌ها خصلت کاریزماتیک دارند، یعنی در مواقع خاصی از تاریخ مثلاً دوره‌های فشار و اضطراب روانی، فیزیکی، اقتصادی، اخلاقی و ... شخصیت کاریزماتیک می‌تواند با ایجاد رابطه عاطفی با توده مردم رسالت خود را در سرنگون کردن رژیم‌های سنتی به انجام برساند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۴۸-۴۵).

در میان نظریات موج دوم که اصرار بر مطالعه‌ی علمی انقلاب‌ها دارندترین بریتون، اثر بسیار معروف کالبدشکافی چهار انقلاب را نگاشته است. او در این کتاب انقلاب‌های انگلستان، آمریکا، فرانسه و روسیه

را مورد مقایسه قرار داده است. بریتون در باب شرایط زمینه‌ساز انقلاب به یک سلسله همسانی‌هایی اشاره کرده و از آنها تحت عنوان ویژگی‌های رژیم پیشین نام می‌برد که عبارتند از وجود یک جامعه‌ی پیشرفته اقتصادی، حکومتی ناکارآمد که از نظر مالی تحت فشار است، وجود تضاد طبقاتی همراه با افزایش خشونت، فزونی گرفتن تعداد روشنفکران و اعلام مرگ نظم موجود از سوی آنها و تغییر وفاداری آنها همراه با سازماندهی گروه‌های فشار مخالف حکومت، از دست رفتن حس اعتماد به نفس در میان نخبگان حاکم و رشد این باور در میان اعضای طبقه حاکم که امتیازاتشان ناعادلانه و به زیان جامعه است (بریتون، ۱۳۶۳: ۷۹-۳۰).

در مورد نظریه‌های موج سوم همان‌طور که پیش از این گفته شد، این نظریات در صدد تبیین انقلاب هستند و در دو سطح خرد و کلان بررسی شده‌اند. نظریه‌های روانشناسی انقلاب به نظریات سطح خرد تعلق دارد. این گروه از نظریات به فرد و برداشت‌های او از وضعیت اجتماعی یا شخصیت خاص یک فرد که می‌تواند سبب عصیان و تبدیل شدن وی به یک انقلابی فعال شود، توجه دارند. دسته‌ای از این نظریات به تجزیه و تحلیل روانی شخصیت‌های معروف انقلابی و رهبران انقلاب‌ها می‌پردازند و با مطالعه‌ی دوران کودکی و سال‌های شکل‌گیری شخصیت آنها می‌کوشند علت انقلابی شدن آنها را جستجو کنند (مشیرزاده، ۱۳۷۵: ۱۲۵). گروهی هم کوشیده‌اند با مطالعات در حوزه‌ی روانشناسی اجتماعی، انقلابی شدن توده‌های وسیع مردمی را بر اساس تحلیل‌های روانشناختی توضیح دهند. نظری‌پردازانی همچون تد رابرت گر، جیمز دیویس و ...

دسته‌ی بعدی نظریات سطح خرد موج سوم، نظریه‌های گزینش عقلانی هستند. نظریه‌های گزینش عقلانی از اقتصاد گرفته شده که در آن فرض می‌شود مردم آگاهانه و عاقلانه سود و زیان انتخاب‌های خود را محاسبه می‌کنند. به نظر آنها افراد با توجه به محاسبه هزینه و فایده و تأثیر مشارکتشان در نتیجه انقلاب در آن شرکت می‌کنند یا نمی‌کنند. اگر افراد احساس کنند مشارکت نکردن آنها نقش تعیین کننده‌ای دارد، وارد عمل می‌شوند. به همین علت انقلابیون سعی می‌کنند فایده مشارکت را بالا و هزینه آن را کم نشان دهند، تا تمایل افراد به مشارکت را افزایش دهند (پناهی، ۱۳۹۱: ۳۰۲). از جمله نظری پردازان این دسته از نظریات انقلاب می‌توان از آیرلند و تولاک نام برد.

در سطح کلان نظریه‌های موج سوم، نظریه‌ها به دو دسته‌ی نظریات جامعه‌شناختی و سیاسی تقسیم می‌شوند. نظریات جامعه‌شناختی بر عوامل موجود در جامعه که موجب شروع فرآیند انقلاب می‌شوند، تأکید دارند و اقدام انقلابی فرد یا گروه در داخل جامعه را متغیر وابسته‌ای می‌دانند که شرایط اجتماعی کلی یا برخی شرایط خاص آن را تعیین و تبیین می‌کنند (کوهن، ۱۳۶۹: ۱۸۳). در نتیجه توجه این نظریه‌ها به نظام اجتماعی، نهادهای اجتماعی، قشربندی‌ها و طبقات اجتماعی است.

نظریه‌های سیاسی انقلاب دسته‌ی دیگر از نظریات کلان موج سوم هستند. نظریات سیاسی که انقلاب را پدیده‌ای سیاسی می‌دانند و به فرایندهای سیاسی اصلی جامعه توجه دارند، از دو رهیافت کارکردگرا و تعارض سیاسی متأثرند. در رهیافت کارکردگرایی سیاسی، ثبات جامعه سیاسی منوط به توافق میان

اعضای آن در مورد ارزش‌ها و مفید بودن نظام سیاسی است. در رهیافت تعارض سیاسی جامعه به‌عنوان عرصه‌ای برای مبارزه و رقابت میان گروه‌هایی تلقی می‌شود که خواهان نیل به قدرت هستند. نتیجه این رقابت را نیز موازنه منابعی که هر گروه در دسترس دارد، تعیین می‌کند. معروفترین نظریه انقلاب در رهیافت نخست از آن ساموئل هانتینگتون و در رهیافت دوم از آن چارلز تیلی است (مشیرزاده، ۱۳۷۵: ۱۴۳).

از میان نظریه‌پردازان مذکور که در سنت‌های مختلف دست به نظریه‌پردازی زده‌اند، نظریه چارلز تیلی بیش از دیگر نظریات به رابطه متقابل بین ساختار و کارگزار در تحول انقلابی پرداخته است. وی تلاش کرده است میان ساختار و کارگزار سازش ایجاد کند. البته تأکید او بیشتر بر بعد کنش است تا ساختار. کنش جمعی، که همکاری افراد با یکدیگر در تعقیب منافع مشترک است، کانون پژوهش او را تشکیل می‌دهد (سمتی، ۱۳۷۵: ۱۴۰). توجه تیلی به مبحث چننه‌های کنش جمعی (ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض) و روند تحولات آنها در کشورهای مختلف، سبب شده است که این مقاله از نظریات وی به دلیل تناسب با موضوع بهره بیشتری بیاید.

گفته شد که جنبش‌های اجتماعی نوعی کنش جمعی هستند. در این جنبش‌ها، شرکت‌کنندگان با ابزارها و شیوه‌های گوناگون بسیج شده و درخواست‌هایشان را بیان می‌کنند. در انتخاب ابزارها شیوه‌های بسیج و اعتراض باید اهداف جنبش، شرایط و فرهنگ حاکم بر جامعه، میزان اثربخشی تاکتیک و ... در نظر گرفته شود. چنانچه این انتخاب نامناسب انجام گیرد نه تنها انقلابیون را به اهدافشان نمی‌رساند، بلکه هزینه‌های زیادی نیز به جنبش وارد می‌کند.

در این مقاله مجموعه‌ی ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در جنبش با نام چننه^۱ کنش جمعی خوانده می‌شود. چننه‌های کنش جمعی از نظر چارلز تیلی دارای ویژگی‌های زیر می‌باشند:

۱- انباشتی بودن: چننه‌های کنش جمعی انباشتی و حاصل تجربه گذشتگان هستند. در هر جامعه مخزنی از ابزارها و شیوه‌هایی وجود دارد که در طی زمان جمع‌آوری شده و افراد به وسیله آنها می‌توانند به بیان خواسته‌های خویش بپردازند.

۲- گزینشی بودن: به علت انباشتی بودن چننه‌ها در جوامع، هر گروه برای انجام فعالیت‌های اعتراضی گزینه‌های مختلفی در اختیار دارد. گروه جهت انتخاب گزینه‌ای از درون چننه کنش‌های جمعی به مسائلی چون شرایط زمانی و مکانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نحوه معیشت مردم، دین، مذهب و... توجه دارد.

۳- انتقال‌پذیری: چننه‌ها می‌توانند از جامعه‌ای به جامعه دیگر منتقل شوند. به‌خصوص اگر در جامعه‌ی مبدأ، این روش‌ها به خوبی پاسخ داده باشند و معترضان را به اهداف خود رسانده باشند، به سرعت به سایر جوامع منتقل شده و مورد تقلید سایرین قرار می‌گیرند.

۴- تغییر مستمر و تدریجی: تغییر در چننه‌ها به صورت مستمر و آرام صورت می‌گیرد و ابزارها و شیوه‌های جدید به تدریج وارد چننه کنش جمعی می‌گردد. یکی از عوامل تغییر در چننه‌ها نوآوری است (تیلی، ۱۳۸۵: ۲۲۲).

چننه بسیج

بسیج فرآیندی است که در طی آن یک گروه به کنترل بر منابع لازم برای کنش جمعی دست می‌یابد (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۳). شکل‌گیری بسیج توده‌ای یا انقلابی دشوارترین مرحله یک انقلاب است. تا جایی که کندی و کاستی در آن همواره تعیین کننده تحقق یا عدم تحقق انقلابات به شمار رفته است (شجاعی زند، ۱۳۸۳: ۲۸). شکل‌گیری بسیج توده‌ای نیازمند ایدئولوژی، سازمان و رهبری است. بسیج سیاسی نیازمند سمبل‌ها و شعارهایی است که به وسیله ایدئولوژی بسیج تأمین می‌گردند. هنگامی که ایدئولوژی بسیج به صورت ایدئولوژی کل جامعه پذیرفته و ظاهر شود، توانایی بسیج همگانی پیدا می‌کند (بشیریه، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۱).

بیشتر دانش‌پژوهان نهضت‌های انقلابی معتقدند که انقلاب را رهبران انقلابی نمی‌سازند. آنها ابزار فعالیت‌های انقلابی را انتخاب می‌کنند، تاکتیک‌های جنبش و زمان پیاده کردن آنها را تعیین می‌کنند (گرین، ۱۳۸۷: ۱۰۴-۱۰۳). رهبران انقلابی با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه و با توجه به ایدئولوژی جنبش، شیوه‌هایی را جهت بسیج توده‌ها و به نمایش درآوردن اعتراض آنها به کار می‌گیرند (محمدی، ۱۳۷۸: ۳۳).

سازمان‌ها نقش مهمی در سازماندهی و جریان‌سازی در انقلاب‌ها دارند. سازمان در فرآیند انقلابی کارویژه‌هایی چون انسجام‌بخشی به انقلابیون، برقراری ارتباط میان آنها، مردم و رهبری، اطلاع‌رسانی لازم، جذب و آموزش نیروهای انقلابی، تأمین تدارکات و منابع مالی و پشتیبانی را بر عهده دارد (غفاری هسجین و همکاران، ۱۳۹۱: ۳).

چننه اعتراض

اعتراض عملی غیرمتعارف است که در آن کانال‌های غیرمستقیم نفوذ، از طریق فعالیت سلسله‌ای از بازیگران جمعی گشوده می‌شوند. مسلماً جنبش‌های اجتماعی انحصار اعتراض را در دست ندارند. بازیگران دیگر نظیر احزاب سیاسی نیز از اعمال اعتراض استفاده می‌کنند. اما اعتراض به ویژه در نوآورانه‌ترین و تندروترین شکلش یک شکل عمل مخصوص جنبش‌های اجتماعی تلقی شده است چرا که جنبش‌های اجتماعی برخلاف احزاب سیاسی و گروه‌های فشار از کانال‌های کمتری برای دسترسی به تصمیم‌گیرندگان برخوردارند (دلپورتا و دیانی، ۱۳۹۰: ۲۵۷-۲۴۴). اعتراض‌ها اعمال و شیوه‌های غیرمتعارف دخالت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی هستند. در حقیقت جنبش‌های اجتماعی روش‌های افشای قهرآمیزی را به کار می‌برند که در اغلب موارد بدیع، غیر سنتی، تماشایی و دارای مشروعیتی مشکوک

هستند (Wilson, 1973:227).

سه منطق مؤثر بر اشکال عمل جمعی منطق تعداد، خسارت مادی و شهادت دادن هستند:

۱- منطق تعداد: منطق تعداد مبنای اشکال زیادی از اعتراضات است. از آنجا که به نظر می‌رسد همیشه در تعداد، قدرت وجود دارد. پس سرنوشت یک جنبش تا حد زیادی به تعداد حامیانش وابسته است. تظاهرات‌ها علاوه بر اینکه سبب گسیختگی فوری می‌شوند، برحسب وسعتشان شاخصی نیز به دست رژیم می‌دهند که مخالفان تا چه حد از حمایت مردمی بهره‌مندند. بنابراین راهپیمایی یکی از تاکتیک‌های اصلی برای نشان دادن قدرت عددی پشت اعتراض‌ها است.

۲- منطق خسارت مادی: منطق وارد آوردن خسارت مادی باید در کنار منطق تعداد مورد توجه قرار گیرد. اعتصاب به عنوان شکلی از اقدام، از چنین منطقی پیروی می‌کند. منطق خسارت مادی محدودیت‌های خاص خود را دارد. یکی از این محدودیت‌ها این است که از یک طرف اعتراض‌کنندگان باید تهدید به ایجاد اختلال و بی‌نظمی کنند تا اعتراضشان مؤثر واقع شود، اما از طرف دیگر باید مراقب باشند که مبادا مردم به جای ترغیب شدن به حمایت از هدف مورد نظر اعتراض، به واسطه مشکلاتی که در اثر این اختلال‌ها برایشان ایجاد می‌شود به مخالفت با همان هدف برخیزند.

۳- منطق شهادت دادن: این منطق به دنبال نشان دادن تعهد قوی اعتراض‌کنندگان به هدفی است که برای آینده ترسیم کرده‌اند. نافرمانی مدنی یا به عبارت دیگر نقض عمدی قوانینی که ناعادلانه تلقی می‌شوند مبتنی بر این منطق است. آنها با این اقدامشان به این اعتقاد شهادت می‌دهند که باید در مقابل تصمیمی که شدیداً ناعادلانه تلقی می‌شود واکنشی صورت گیرد حتی اگر این واکنش‌ها واقعاً دربردارنده خطراتی جدی باشد (دلپورتا و دیانی، ۱۳۹۰، ۲۵۷-۲۴۹).

رهبر جنبش اعتراض باید مدبرانه روش‌های اعتراضی را از میان گزینه‌های موجود برگزیند. انتخاب اقدامات و روش‌های تندروانه و افراطی شاید مطلوب گروهی از معترضین باشد اما اعضای عادی جنبش را می‌ترساند و خطر ریزش آنها را به دنبال دارد. جنبه دیگر این مسئله را هم البته باید در نظر داشت ممکن است حامیان فعال و متعصب جنبش مایل به استفاده از رفتارهای افراطی باشند و اجتناب رهبر از این رفتارهای افراطی برای حفظ متحدان بالقوه، خطر از دست دادن این طرفداران متعصب را به دنبال داشته باشد.

الف- مقایسه‌ی ابزارها و شیوه‌های بسیج در انقلاب‌های ایران و روسیه

پیش از آن که ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در انقلاب‌های ایران و روسیه مورد مقایسه قرار گیرند و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها ذکر گردد، توجه به نکته‌ای ضروری می‌نماید و آن فاصله‌ی زمانی دو انقلاب است. انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷ و انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ به وقوع پیوستند. فاصله‌ی زمانی بیش از ۶۰ سال، میان این دو انقلاب و پیشرفت تکنولوژی و به تبع آن پیشرفت وسایل ارتباط جمعی، سبب شد بسیاری از ابزارهای بسیج که در جریان انقلاب ایران مورد استفاده واقع شدند، در انقلاب روسیه کاربردی نداشته باشند. به عنوان مثال نوار کاست که سهم عظیمی در بسیج مردم ایران بر

عده داشت، در انقلاب روسیه مورد استفاده واقع نشد. نوارهای کاست برای اولین بار در سال ۱۹۶۳ تولید شدند بالطبع این ابزار نمی‌توانست در جریان انقلاب روسیه به کار گرفته شود. همین‌طور رادیو که در بسیج مردم ایران بسیار مؤثر بود در انقلاب روسیه کاربردی نداشت زیرا هنوز آنقدر فراگیر نشده بود که به کمک انقلابیون بشتابد و پیام‌های انقلاب را به مردم منتقل کند. این مقاله تنها ابزارها و شیوه‌هایی بسیج و اعتراض که در هر دو کشور استفاده شدند، مقایسه کرده و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را بیان می‌کند و ابزارها و شیوه‌هایی که تنها در یکی از دو کشور توسط انقلابیون به کار گرفته شدند مورد نظر این مقاله نیستند. چون امکان مقایسه آنها وجود ندارد. ادامه‌ی مقاله به مقایسه ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض که در انقلاب‌های دو کشور استفاده شدند اختصاص دارد.

۱. اعلامیه

اعلامیه یکی از راه‌های ارتباطی رهبران هر دو انقلاب با مردم کشورشان در شرایط انقلابی بود و توانست در بسیج مردم مؤثر واقع شود. در هر دو انقلاب صادرکنندگان اعلامیه‌ها افراد و گروه‌های متعدد انقلابی بودند اما تأثیرگذارترین اعلامیه‌ها از طرف رهبران اصلی انقلاب یعنی امام‌خمينی(ره) و لنین صادر می‌گشتند. از آنجا که دو رهبر انقلابی در تبعید و دور از مردم به سر می‌بردند، اعلامیه‌ها می‌توانستند بُعد مسافت را جبران کرده و عامل بسیج مردمی شوند.

اعلامیه‌ها به‌عنوان نوعی رسانه‌ی ارتباطی در دو کشور، در اجتماعات مردمی مانند راهپیمایی‌ها، میان آنها توزیع می‌گشتند. از نظر موضوع، اعلامیه‌های صادر شده در دو انقلاب شباهت‌هایی با هم داشتند. در هر دو انقلاب اعلامیه‌هایی که روش مبارزه با رژیم حاکم را معرفی می‌کردند صادر می‌گردید و حتی در مواردی راه‌های مشابه‌ای به مردم پیشنهاد می‌گردید. مثلاً در انقلاب اسلامی ایران طی اعلامیه‌هایی از مردم خواسته شد که مالیات پرداخت نکنند و بدین وسیله حکومت را از نظر اقتصادی تحت فشار قرار دهند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۳۵). همین‌طور در انقلاب روسیه طی اعلامیه‌ای که توسط نمایندگان مجلس صادر گشت، از مردم خواسته شده بود که از پرداخت مالیات به حکومت خودداری کنند (رئیس‌نیا، ۱۳۵۷: ۲۲-۲۱).

صدور اعلامیه‌های حمایتی یکی دیگر از شباهت‌های موضوعی این ابزار بسیج در دو انقلاب است. مثلاً در ایران طی اعلامیه‌های متعددی، از اعتصابیون صنعت نفت حمایت می‌شد (بهشتی‌سرشت، ۱۳۹۱: ۳۹۰). در روسیه نیز اعلامیه‌های حمایتی در مواردی مانند حمایت نمایندگان دوما (مجلس) منحل شده، از حرکت‌ها و مبارزات مردمی در سال ۱۹۰۶ منتشر شد (رئیس‌نیا، ۱۳۵۷: ۲۲-۲۱). در دو کشور اعلامیه‌هایی با موضوع اعتراض صادر می‌گشت. در روسیه بیشتر اعلامیه‌های اعتراضی نسبت به ادامه‌ی جنگ و در ایران نسبت به اعمال خشونت و کشتار مردم منتشر می‌شدند. همچنین در هر دو انقلاب اعلامیه‌هایی به منظور دعوت از مردم برای شرکت در مراسم‌ها و یا سالگرد وقایع مهم پخش می‌شد.

با وجود شباهت‌های ظاهری، تفاوت‌هایی در محتوای اعلامیه‌های دو کشور دیده می‌شود. اکثر اعلامیه‌های صادر شده در انقلاب‌های ایران و روسیه از نظر محتوایی کاملاً با هم متفاوت بودند. به‌عنوان

مثال با وجود اینکه اعلامیه‌های متعددی مبنی بر معرفی روش‌های مبارزه در دو کشور توزیع می‌شد، اما روش‌های پیشنهادی مبارزه یکسان نبودند.

۲. سخنرانی

سخنرانی به‌عنوان ابزار بسیج بیشتر از آنکه مورد استفاده‌ی رهبران اصلی انقلاب یعنی امام خمینی(ره) و لنین قرار بگیرد، توسط سایر رهبران به‌کار برده شد. زیرا امام خمینی(ره) و لنین در روزهای شکل‌گیری انقلاب در تبعید به سر می‌بردند و لذا به علت دوری از مردم امکان سخنرانی و ارتباط چهره‌به‌چهره برایشان میسر نشد و سخنان آنها از طریق ابزاری همچون اعلامیه در هر دو کشور و یا نوار کاست در ایران و ... به مردم ابلاغ می‌شد.

در جریان دو انقلاب سخنرانی‌ها از لحاظ کلیت و در ظاهر شباهت‌های زیادی با هم داشتند اما با توجه به تفاوت بسیار زیاد در ایدئولوژی انقلاب‌ها، محتوای سخنرانی‌ها بسیار متفاوت و حتی مغایر با هم بودند. محور اصلی سخنرانی‌ها در هر دو انقلاب، محکوم کردن رژیم‌های حاکم و لزوم سرنگونی آنها و همین‌طور ترسیم جامعه‌ی آرمانی پس از انقلاب‌ها بود که تنها با مجاهدت‌های مردمی به دست می‌آمد. در هر دو انقلاب به منظور تحریک بیشتر مردم، سخنرانان بر مسائل بسیار مهم مبتلا به جامعه‌ی آن روز تأکید می‌کردند. مسائل مهم آن روز در روسیه جنگ و مشکلات اقتصادی بود (سوروکین، بی‌تا: ۶۳). در ایران جنایات رژیم پهلوی در کشتار و آزار مردم و همین‌طور عدم پایداری رژیم به موازین اسلام مهمترین مسایلی بودند که در سخنرانی‌ها مورد توجه قرار می‌گرفتند (باقی، ۱۳۷۳: ۲۷۶). سخنرانی‌ها معمولاً در اجتماعاتی مانند راهپیمایی‌ها، ایراد می‌شدند و سخنرانان افرادی ذی‌نفوذ بودند اما هویت آنها در دو انقلاب تفاوت‌های زیادی با هم داشت. در ایران معمولاً سخنرانان از روحانیون و طلبه‌های حوزه‌های علمیه بودند. اما در جریان انقلاب روسیه مذهب‌یون هیچ جایگاهی نداشتند و سوسیال‌دموکرات‌ها اغلب اوقات جلسات سخنرانی را اداره می‌کردند.

جامعه‌ی آرمانی که توسط سخنرانان وعده داده می‌شد، در روسیه نظامی کمونیستی بر پایه‌ی مالکیت اشتراکی بود (سوروکین، بی‌تا: ۸۰). اما در جریان انقلاب ایران سخنرانان نوید حکومت اسلامی پس از انقلاب را می‌دادند. بنابراین محتوای سخنرانی‌ها تفاوت اساسی با یکدیگر داشت.

در جریان انقلاب اسلامی ایران سخنرانی‌ها با موضوع‌های مذهبی انجام می‌شد و از مساجد هم به‌عنوان مکان سخنرانی استفاده‌های فراوانی می‌شد. اما در جریان انقلاب روسیه محور سخنرانی‌ها را اوضاع وخیم اقتصادی این کشور و درگیری در جنگ و شکست‌های پیاپی که سبب شده بود تعداد زیادی از نیروهای روسی از دست بروند، تشکیل می‌داد و مسائل و مکان‌های مذهبی مانند کلیسا کمترین جایگاهی در این سخنرانی‌ها نداشتند.

۳. مطبوعات

مطبوعات در رهبری افکار عمومی در تمامی جوامع بشری نقش مهمی را بر عهده دارند و در شرایط انقلابی می‌توانند پل ارتباطی میان رهبران و مردم انقلابی باشند. در انقلاب‌های ایران و روسیه روزنامه‌ها

مطالبی به منظور تهییج بیشتر مردم به چاپ می‌رساندند. مانند نامه‌ها و پیام‌هایی که رهبران انقلاب خطاب به مردم ارسال می‌کردند. همچنین در هر دو انقلاب روزنامه‌ها زمان برگزاری تجمعات اعتراض‌آمیز را به اطلاع مردم می‌رساندند. اما مطبوعات در روسیه به نسبت ایران دارای آزادی بیشتری بودند و چند سال قبل از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ اقدام به پخش اخبار مربوط به انقلابیون می‌کردند. بعد از فرمان تزار مبنی بر آزادسازی فعالیت مطبوعات در سال ۱۹۰۵ روزنامه‌های زیادی از طرف مخالفین راه‌اندازی شد. تعدادی از روزنامه‌های انقلابی در فاصله سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷ اقدام به نشر عقاید انقلابیون می‌کردند (رئیس‌نیا، ۱۳۵۷: ۸۷).

در جریان انقلاب ایران مطبوعات بسیار دیر هنگام و از دی ماه ۵۷ به انقلابیون پیوستند. آنها قبل از پیوستن به انقلابیون به طور کامل در خدمت رژیم قرار داشتند. اما پس از پیوستن به مردم انقلابی در جهت بسیج مردم فعالیت کردند.

روزنامه‌های انقلابی در روسیه وابستگی حزبی داشتند و برنامه‌ها و اهداف حزب متبوع خود را نشر می‌دادند (کلیموف، ۱۳۵۸: ۵). اما پس از پایان اعتصاب ۶۲ روزه در مطبوعات ایران و بعد از اینکه روزنامه‌های اعتصابی، فعالیت خود را از سر گرفتند، همگی با هم و در کنار مردم خواستار حکومت اسلامی گردیدند.

مقایسه‌ی ابزارها و شیوه‌های اعتراض در انقلاب‌های ایران و روسیه

۱. راهپیمایی

راهپیمایی‌ها در جریان انقلاب‌ها بسیار مورد استفاده واقع می‌شوند. تقریباً تمامی انقلاب‌ها شاهد برگزاری تظاهرات‌های اعتراض‌آمیز هستند. در جریان انقلاب‌های ایران و روسیه علاوه بر راهپیمایی‌های غیر خشونت‌بار، تعدادی راهپیمایی خشونت‌بار نیز انجام شد. به‌عنوان مثال راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورای ۵۷ در ایران نمونه‌ی راهپیمایی‌های غیرخشونت‌بار هستند که دولت از روی ناچاری مجوز برگزاری راهپیمایی را صادر کرده بود (بهشتی‌سرشت، ۱۳۹۱: ۳۴۴). از راهپیمایی ۱۷ شهریور ۵۷ هم می‌توان به‌عنوان تظاهراتی که با خشونت زیاد به خاک و خون کشیده شد نام برد. در روسیه از راهپیمایی ۲۳ فوریه‌ی ۱۹۱۷ که مصادف با روز جهانی زن بود می‌توان به‌عنوان راهپیمایی غیرخشونت‌بار نام برد (گزاویه کوکن، ۱۳۶۹: ۳۹) و راهپیمایی ۲۲ ژانویه ۱۹۰۵ که به علت کشتار عده‌ای از راهپیمایان به یکشنبه‌ی خونین شهرت یافت، نمونه‌ای از راهپیمایی خشونت‌بار بود (پزشک‌زاد، ۱۳۸۳: ۳۰).

از نظر زمانی در دو کشور در روزهای پایانی منتهی به انقلاب تقریباً هر روز تظاهرات اعتراض‌آمیز شکل می‌گرفت اما معمولاً در سالگرد وقایع مهم هم راهپیمایی‌ها رخ می‌دادند. مثلاً در ایران به علت مذهبی بودن، در سالگرد تاسوعا و عاشورا راهپیمایی‌های عظیمی رخ داد. در روسیه هم در سالگرد روز زن در ۲۳ فوریه و یا سالگرد یکشنبه‌ی خونین راهپیمایی صورت می‌گرفت. البته نوع برخورد رژیم با معترضین

هم می‌توانست عامل برگزاری راهپیمایی‌های بعدی شود. در موارد زیادی در دو کشور پس از برخورد خشونت‌آمیز با یک راهپیمایی، راهپیمایی‌های دیگری به وقوع می‌پیوست.

در هر دو کشور راهپیمایی‌ها گاه با دعوت رهبران و گروه‌های انقلابی صورت می‌گرفت و گاه به صورت کاملاً خودجوش و شورش انجام می‌شد. در مورد انقلاب ایران اولین راهپیمایی بدون برنامه‌ی قبلی را در ۱۹ دی ۵۷ مردم قم به راه انداختند و با برخورد نیروهای رژیم چندین نفر شهید شدند (طلوعی، ۱۳۷۰: ۲۸۹) پس از این واقعه راهپیمایی‌های با برنامه‌ریزی در چهل‌های متوالی شهدا برگزار گردید و تا زمان پیروزی انقلاب شورش‌ها و راهپیمایی‌ها ادامه یافت (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱: ۲۱۷).

در بازه‌ی زمانی مورد نظر این پژوهش اولین راهپیمایی در روسیه در ژانویه‌ی ۱۹۰۵ و با برنامه‌ریزی به وقوع پیوست. اما در فوریه‌ی ۱۹۱۷ که بساط رژیم تزاری به کلی برچیده شد، راهپیمایی‌هایی که در پنج روز متوالی از ۲۳ فوریه تا ۲۷ فوریه انجام گرفتند، کاملاً خودجوش و به عبارتی شورش بودند. این قیام از رهبری خاصی بهره‌مند نبود و همه‌ی گروه‌های چپ و راست معترفند که در قیام فوریه‌ی ۱۹۱۷ نقشی نداشتند (تروتسکی، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

هر دو انقلاب شاهد برگزاری راهپیمایی بعضی اقشار به طور جداگانه در کنار سایر راهپیمایی‌های مختلط بودند. از مهمترین این اقشار می‌توان نیروهای مسلح و ارتشیان را نام برد که در هر دو کشور در جریان انقلاب اقدام به برگزاری راهپیمایی‌هایی کردند. در ایران همافران که در واقع نیروی هوایی ارتش بودند (قاسم‌پور، ۱۳۸۵: ۱۹۶-۱۹۵) و در روسیه هم سربازانی که مخالف ادامه‌ی جنگ بودند اقدام به برگزاری تظاهرات‌های جداگانه‌ای با لباس‌های نظامی خاص خود کردند (کارمایکل، ۱۳۶۳: ۱۵۶-۱۳۰). نقطه‌ی شروع راهپیمایی‌ها در انقلاب ایران معمولاً مساجد و بازار بودند. با توجه به نفوذ مذهب در فرهنگ ایرانیان همواره مسجد دارای جایگاه ویژه‌ای در میان مردم بوده است. در مورد بازار نیز باید گفت که مساجد و بازار به‌عنوان دو نهاد مذهبی و اقتصادی همواره در تاریخ ایران ارتباط نزدیک و ناگسستی داشته‌اند. اما نقطه‌ی شروع راهپیمایی‌ها در انقلاب روسیه، معمولاً از کارخانه‌ها بود؛ معترضین ابتدا در کارخانه‌ها اعتصاب می‌کردند سپس شروع به راهپیمایی می‌کردند.

در مورد ترکیب شرکت‌کنندگان در راهپیمایی‌ها در دو انقلاب تفاوت‌های زیادی وجود دارد. انقلاب روسیه توسط کارگران و سربازان به ثمر رسید. به‌عبارتی در راهپیمایی‌های منجر به انقلاب در روسیه کارگران به همراه سربازانی که پیشینه‌ی دهقانی داشتند، اکثریت قریب به اتفاق راهپیمایان را تشکیل می‌دادند. اما در مورد اقشار شرکت‌کننده در انقلاب اسلامی ایران باید گفت که کلیه‌ی اقشار و طبقات مانند کشاورزان، کارگران، اصناف، کارکنان دولت، دانشجویان و دانش‌آموزان در تمامی نقاط کشور در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کردند (بازرگان، ۱۳۶۳: ۳۹).

اعتراضات مردمی در جریان انقلاب اسلامی در تمامی نقاط کشور و در تمامی شهرهای آن انجام می‌گرفت و محدود به تهران نبود. اما در جریان انقلاب روسیه تمام کشور درگیر نبودند. تا جایی که تروتسکی اعتراف می‌کند که «اغراق نیست اگر بگوییم که انقلاب فوریه توسط پتروگراد تحقق یافت و

بقیه‌ی مملکت از آن تبعیت و پیروی کردند. مبارزه در جایی دیگر به جز پتروگراد نبود...» (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۵۳).

۲. اعتصاب

اعتصاب به معنی دست از کار کشیدن و گردهم آمدن‌های مردم یا یک طبقه‌ی خاص برای رسیدن به هدفی از قبیل تقلیل ساعات کار یا بالا بردن مزد و نظایر آن تعریف شده است. تا زمانی که اعتصاب‌ها تنها برای اهداف اقتصادی صورت می‌گیرند، قابل کنترل هستند. اما هنگامی که اعتصاب‌کنندگان خواسته‌های سیاسی مطرح کنند، ممکن است موجودیت نظام را به خطر اندازند.

در برشمردن شباهت‌های اعتصاب‌های انقلابی در دو کشور روسیه و ایران می‌توان نوعی اعتصاب را تحت عنوان اعتصاب واکنشی نامگذاری کرد. این نوع اعتصاب‌ها در دو کشور، در واکنش به اقدامات رژیم حاکم انجام می‌شدند. اولین موج اصلی اعتصابات در ایران پس از واقعه‌ی خونین جمعه‌ی سیاه و در واکنش به کشتار راهپیمایان در این روز به وقوع پیوست (میرصمدی و فتاح‌پور، ۱۳۸۹: ۴۷). لازم به ذکر است که اعتراض به شیوه‌ی اعتصاب در ایران دارای سابقه بوده و در جنبش‌های ملی شدن صنعت نفت و نهضت پانزده خرداد ۴۲ مورد استفاده قرار گرفته بود (احمدپور، ۱۳۸۹: ۲۱۹-۲۱۸). اما در بازه‌ی زمانی مورد نظر این مقاله که مربوط به حوادث انقلاب اسلامی در سال‌های ۵۶ و ۵۷ می‌باشد، پس از حادثه‌ی خونین ۱۷ شهریور، اعتصاب وارد چنته‌ی کنش معترضین گردید.

در کشور روسیه هم اعتصاب‌هایی در واکنش به اقدامات رژیم صورت می‌گرفت. قشر کارگر صنعتی روسیه در واکنش به اعمال رژیم که از نظرشان نادرست می‌آمد، اعتصاب می‌کردند. به‌عنوان نمونه پس از واقعه‌ی خونین ۲۲ ژانویه ۱۹۰۵ اعتصاب‌های عظیمی به وقوع پیوست و بسیاری از کارگران در واکنش اعتراض‌آمیز به کشتار مردم، دست از کار کشیدند (رئیس‌نیا، ۱۳۵۷: ۱۸).

در هر دو کشور اولین اعتصاب‌ها به صورت کاملاً خودجوش به وقوع پیوستند. در ایران پس از واقعه‌ی ۱۷ شهریور اعتصاب‌ها در تهران بدون برنامه‌ریزی سازمانی رخ داد و به سایر نقاط کشور سرایت کرد (میرصمدی و فتاح‌پور، ۱۳۸۹: ۴۷). در روسیه هم اعتصاب‌های سال ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ راساً توسط کارگران انجام گرفتند و هیچ سازمانی به منظور برگزاری اعتصاب‌ها مخصوصاً اولین اعتصاب‌های این سال‌ها برنامه‌ای ارائه نکرده بود (لوکزامبورگ، بی‌تا: ۵۴-۳۷).

با وجود اینکه اولین اعتصاب‌های دو کشور بدون برنامه‌ریزی انجام شدند، اما اعتصابیون همواره از حمایت رهبران انقلابی برخوردار بودند. در ایران امام خمینی(ره) به‌عنوان رهبر اصلی انقلاب همواره از اعتصابیون حمایت می‌کرد (بهشتی سرشت، ۱۳۹۱: ۳۶۵). لنین رهبر انقلابی روسیه هم در موارد متعددی حمایت خود را از اعتصابیون اعلام می‌کرد (کلیموف، ۱۳۵۸: ۴).

از نظر اولویت برگزاری اعتصاب به‌عنوان ابزار و شیوه‌ی اعتراضی، در دو کشور تفاوت‌هایی وجود دارد. در ایران اعتصاب‌ها تقریباً در اواخر فعالیت‌های انقلابی به چنته‌ی کنش انقلابیون راه یافتند. اما در روسیه اعتصاب اولین نوع اعتراضات مردمی در جریان انقلاب‌های صورت گرفته در بازه‌ی زمانی مورد نظر این

پژوهش است. روسیه کشوری بود که در اثر نوسازی استبدادی به سرعت مسیر صنعتی شدن را پیمود و لذا کارگران صنعتی زیادی را در خود جای داده بود. کارگران این کشور همواره به شرایط بد کاری خود از قبیل ساعات طولانی کار، حقوق کم و سایر شرایط اعتراض داشته و ابزار اعتراض‌شان هم اعتصاب بود. اما این اعتصاب‌ها تنها با درخواست‌های اقتصادی شروع می‌شدند و پس از مدت کوتاهی و با به‌دست آوردن امتیازهای محدود و یا سرکوب از طرف رژیم پایان می‌یافتند (دان، ۱۳۸۶: ۴۶).

در سال ۱۹۰۵ ابتدا اعتصابات به دلیل مشکلات اقتصادی رخ داد اما به دنبال واقعه‌ی خونین ۲۲ ژانویه، اعتصابیون رژیم حاکم را مورد حمله قرار دادند و توانستند مجلس نمایندگان را به آن تحمیل نمایند. در ۱۹۱۷ هم مردم ناراضی ابتدا اعتصاب کردند و سایر روش‌های اعتراضی در پی اعتصاب‌ها شکل گرفتند. در روسیه به منظور بزرگداشت سالگرد وقایع مهم مانند یکشنبه‌ی خونین و روز جهانی زن اعتصاب صورت می‌گرفت (گزاویه کوکن، ۱۳۶۹: ۳۳-۳۲). اما در ایران مراسم بزرگداشت سالگرد وقایع مهم با برگزاری تظاهرات انجام می‌شد. اعتصاب‌های انجام شده در ایران به صورت مستمر از شهریور تا بهمن ۵۷ ادامه یافت و به جز چند روز، وقفه‌ای در اعتصاب‌ها رخ نداد.

اعتصاب‌های صورت گرفته در روسیه تنها در چند شهر که مهمترین آنها پتروگراد بود، به وقوع می‌پیوست (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۵۳). اما در ایران به علت فعالیت انقلابیون در تمامی نقاط کشور تقریباً تمامی شهرها شاهد برگزاری اعتصاب‌های عمومی بودند و برخلاف روسیه برگزاری اعتصاب در ایران امر فراگیری بود (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹: ۲۹۱).

۳. شعار

شعارهای انقلابی بیان‌کننده‌ی ایدئولوژی انقلاب هستند. ارزش‌ها و آرمان‌های هر انقلاب در شعارهای آن متبلور می‌شود (پناهی، ۱۳۸۵: ۶۱-۶۰). با توجه به تفاوت یا به عبارتی تناقض ایدئولوژی‌های انقلابی در انقلاب اسلامی و انقلاب روسیه، مسلم است که نمی‌توان شباهت زیادی میان شعارهای انقلابی آنها یافت. شباهت‌هایی هم که وجود دارند، اغلب ظاهری هستند. مانند استفاده از شعارها در اجتماعات به خصوص راهپیمایی‌ها، نوشتن شعار بر دیوارها و حمل تعدادی از شعارها به صورت پارچه‌نوشته که در انقلاب‌های دو کشور قابل مشاهده است.

تعدادی از شباهت‌های موضوعی هم در شعارهای انقلابی دو کشور دیده می‌شود. در هر دو انقلاب شعارهای صرفاً اعتراضی مطرح می‌گردیدند. مانند شعار «مرگ بر استبداد» در روسیه و شعار «مرگ بر دیکتاتور» در ایران، که این شعارها انزجار مردم را از نظام‌های استبدادی موجود به تصویر می‌کشید. در هر دو انقلاب شعارهایی که مربوط به نظام آرمانی مورد نظر انقلابیون بعد از پیروزی بود، به‌کار برده می‌شد. مانند «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» در ایران و شعار «تمام قدرت به دست شوراه» در انقلاب روسیه. البته این شعارها از این لحاظ موضوعی و اینکه آرمان انقلابیون را به تصویر می‌کشیدند، با هم مشابهند و گرنه از نظر محتوایی کاملاً متفاوتند.

از دیگر شباهت‌های موجود میان این ابزار اعتراض در دو کشور این بود که طرح شعارهای ناسیونالیستی در دستور کار انقلابیون قرار نگرفته بود. شعارهایی مانند «کارگران جهان متحد شوید» که توسط لنین طرح گردید و در جریان انقلاب روسیه مورد استفاده واقع شد و همین‌طور شعار «مسلمانان جهان متحد شوید» دلایلی بر اثبات این ادعاست. البته شعارهایی همانند «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» در ایران، نشانگر برد شعارهای انقلاب ایران در سطح جهان و سیاست بین‌الملل است. ظاهری‌ترین تفاوت شعارهای انقلابی در انقلاب ایران و روسیه مربوط به حجم شعارهاست. در انقلاب اسلامی ایران بیش از چهار هزار مورد شعارهای متفاوت ثبت گردیده است در حالی که این تعداد برای انقلاب روسیه حداکثر ۳۰ شعار متفاوت است (مؤسسه چاپ و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱: ۲۲۳-۲۲۲). با توجه به این آمار، عمل طرح شعار در انقلاب اسلامی ایران بسیار جدی‌تر و مهم‌تر از انقلاب روسیه بوده است.

مهمترین تفاوت شعارهای انقلابی در دو کشور مربوط به غالب بودن شعارهای مادی در جریان انقلاب روسیه و تسلط شعارهای معنوی در انقلاب اسلامی ایران بوده است. در انقلاب روسیه یکی از مهمترین شعارها «نان» بود که ریشه در مشکلات اقتصادی فراوان جامعه‌ی روسیه داشت (کارمایکل، ۱۳۶۳: ۴۸-۴۶). مردم ایران در شعارهایشان کمتر خواسته‌های اقتصادی مطرح می‌کردند. بر طبق تحقیقی که در این زمینه انجام گرفته است، تنها ۳۹ شعار از مجموع ۴۱۵۳ شعار شناسایی شده در انقلاب ایران، در زمینه‌ی مسائل اقتصادی و آرمان‌های اقتصادی بوده‌اند (پناهی، ۱۳۸۱: ۲۱۶).

برای اینکه تفاوت در شعارهای انقلابی روسیه و ایران به خوبی مشخص شود و از آنجا که شعارهای انقلابی بیان‌کننده‌ی ایدئولوژی انقلاب هستند، بحث مختصری در مورد ایدئولوژی‌های انقلاب در ایران و روسیه مطرح می‌گردد. ایدئولوژی انقلاب روسیه مارکسیسم-لنینیسم بود که ویژگی‌های آن بر پایه‌ی اصالت ماده، اصالت جمع، دیکتاتوری طبقه کارگر، تمرکز انحصارات و ابزار تولید در دست دولت قرار داشتند. این ایدئولوژی در ضدیت با مذهب قرار دارد. اما ایدئولوژی انقلاب ایران برگرفته از دین اسلام و با تکیه بر تعالیم مکتب تشیع بود که بر پایه‌ی اصالت دادن به وحدانیت خدا و تعالی بشر قرار دارد. این ایدئولوژی خواهان بازگشت به دین است (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۲۶).

به‌طور کلی شعارهای انقلابی در دو کشور علی‌رغم وجود بعضی همسانی‌ها، بسیار متفاوت بودند. زیرا ایدئولوژی دو انقلاب کاملاً متفاوت بود و این تفاوت در شعارها که برگرفته از ایدئولوژی انقلاب بودند، نمایان می‌گشت.

۴. حمله به اموال و اماکن

تعدادی از انقلابیون به نشانه‌ی اعتراض، به اموال و اماکن دولتی و بعضاً خصوصی حمله می‌کنند و آنها را مورد تخریب، غارت و تصرف قرار می‌دهند. تخریب‌هایی که در جریان انقلاب‌ها انجام می‌شوند ضررهای اقتصادی فراوانی را بر جای می‌گذارند. بدست آوردن کنترل مکان‌های اداری و نظامی و کلیه‌ی مراکز مهم و استراتژیک رژیم، در هر انقلابی یکی از تلاش‌های انقلابیون است. اماکنی که مخالفان در پی

تصرف آن هستند، از جمله‌ی مهمترین مراکزی محسوب می‌شوند که برای بقایای رژیم ضروری‌اند. معترضین با درک این ضرورت به دنبال کاهش قدرت و از بین بردن تسلط رژیم بر این مراکز مهم هستند.

در انقلاب‌های ایران و روسیه، انقلابیون تندیس‌هایی که نشانی از قدرت رژیم حاکم به شمار می‌رفتند را پایین کشیده و تخریب می‌کردند که اغلب این تندیس‌ها مربوط به شاهان دو کشور بود. انقلابیون سعی می‌کردند کلیه نمادهای قدرت رژیم حاکم را از بین ببرند. در ایران مجسمه‌ی محمدرضا شاه را در مکان‌های مختلف پایین آورده و خرد می‌کردند (اقدسی، ۱۳۸۹: ۱۳۱). در روسیه هم مجسمه‌ی تزار نیکلای دوم بارها مورد تعرض انقلابیون واقع و تکه‌تکه شد (فایجس، ۱۳۹۰: ۴۸۳).

در هر دو انقلاب حمله‌ی انقلابیون به اماکن و اموال عمومی و خصوصی و آسیب رساندن به آنها مشاهده می‌گردد. در ایران دفتر حزب رستاخیز، کاباره‌ها، مشروب‌فروشی‌ها، اتومبیل‌ها و... مورد تخریب انقلابیون واقع می‌شدند. در روسیه هم به همین صورت حمله به ایستگاه‌های پلیس، دادگاه‌ها، مغازه‌ها، نانوائی‌ها، اتومبیل‌ها، ترامواها و... انجام می‌شد و مهاجمین اقدام به شکستن شیشه‌ها و آتش زدن ساختمان‌ها می‌کردند.

در هر دو کشور کلانتری‌ها و اسلحه‌سازی‌ها مورد تصرف انقلابیون قرار گرفتند. با تصرف این مکان‌ها تعداد زیادی اسلحه به دست انقلابیون می‌افتاد و راه برای مبارزات مسلحانه تسهیل می‌شد. سایر مکان‌هایی هم که به نوعی نماینده‌ی قدرت رژیم حاکم قلمداد می‌شدند، مورد تصرف انقلابیون واقع می‌گردیدند مانند تصرف کاخ زمستانی در روسیه که نماد نظام حاکم روسیه محسوب می‌شد (کارمایکل، ۱۳۶۳: ۳۲۳). تصرف رادیو و تلویزیون یکی از مهمترین تصرف‌های انجام گرفته در ایران بود زیرا رادیو و تلویزیون داخلی به شدت برای رژیم تبلیغ می‌کرد (علی‌اکبری بایگی، ۱۳۸۴: ۲۹۹).

از نظر زمانی در هر دو کشور تصرف‌های صورت گرفته در آخرین روزهای مبارزات انقلابی انجام شد. این مسئله نشان می‌دهد که با از دست رفتن این مراکز مهم، دیگر توانی در جهت مبارزه با انقلابیون، برای رژیم باقی نمانده بود.

تخریب‌هایی که در جریان انقلاب‌های ایران و روسیه انجام شد، علی‌رغم شباهت‌های ظاهری یک تفاوت عمده داشتند. در جریان انقلاب روسیه دهقانان با توجه به کینه‌ای که از مالکان داشتند، دست به انتقام‌گیری از آنها می‌زدند. آنها خانه‌ی مالکان را آتش زده و ماشین‌آلاتشان را خرد می‌کردند (آزاده، ۱۳۵۹: ۲۸). این نوع اعتراض و تخریب در چنته‌ی کنش مردم ایران جایی نداشت.

در مورد غارت، باید گفت در روسیه وقتی که به علت کمبود نان مردم مجبور بودند ساعت‌ها در صف نانوائی‌ها بایستند، کم‌کم از تحمل این شرایط مستأصل شده و دست به غارت نانوائی‌ها زدند (گزاویه‌کوکن، ۱۳۶۹: ۳۵). اما در ایران با وجود مشکلات اقتصادی، اعتصاب‌ها و کمبودها، موردی از غارت با وسعتی که در روسیه به وقوع پیوست، مشاهده نگردید. روسیه علاوه بر اعتصاب‌هایی که کشور را درگیر کرده بودند در شرایط جنگی نیز قرار داشت و این مسئله مشکلات اقتصادی کشور را طاقت‌فرسا

کرده بود. لذا مردم گرسنه دست به غارت ناوایی‌ها زدند. اما بحران اقتصادی در ایران تا به این حد پیشرفت نکرده بود که مردم مجبور به غارت مغازه‌ها برای تأمین ارزاق خود شوند.

در مورد تسخیرهای انجام شده در انقلاب‌های دو کشور نمی‌توان تفاوت چشمگیری مشاهده کرد. در هر دو کشور انقلابیون با هدف قطع ید رژیم از مراکز استراتژیک و به‌دست آوردن کنترل آنها، اقدام به تصرف این اماکن کردند. از نظر زمانی هم این شیوه‌ی اعتراض‌آمیز در هر دو انقلاب در روزهای پایانی انجام شد لذا نمی‌توان تفاوت شایان ذکری را در این زمینه یافت.

۵. ترمرد و طغیان ارتش

ارتش و نیروهای مسلح در هر رژیم، پشتوانه‌ی آن رژیم محسوب می‌گردند و قطع وفاداری‌شان از رژیم می‌تواند سبب سرنگونی آن گردد. در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب‌های ۱۹۱۷ روسیه، ارتشیان با پیوستن به مردم در پیروزی انقلاب‌ها نقش عمده‌ای ایفا کردند. ارتش و نیروهای مسلح در دو کشور با روش‌های گوناگون به پیروزی انقلاب کمک کردند. شیوه‌های اعتراضی که ارتشیان برگزیده بودند، در ایران و روسیه شباهت‌های زیادی با یکدیگر داشتند. سربازان دو کشور با فرار از خدمت اعتراض خود را بیان می‌کردند. در روسیه در شرایط انقلابی ۱۹۱۷ سربازان با فرار از جبهه‌های جنگ به نوعی اعتراض خود را از درگیری کشورشان در جنگ به نمایش می‌گذاشتند (کارمایکل، ۱۳۶۳: ۲۰۱). در ایران هم در شرایط انقلابی ۱۳۵۷ فرار سربازان از پادگان‌ها که در لیبیک به پیام امام خمینی (ره) صورت می‌گرفت، مشاهده می‌شود (قره‌باغی، ۱۳۶۸: ۱۱۳). در این زمینه اشاره به رژه همافران نیروی هوایی در ۱۹ بهمن ۵۷ که در مدرسه علوی در مقابل امام خمینی (ره) انجام شد، خالی از لطف نیست. این اتفاق کمر رژیم را شکست. حتی زمانی که روزنامه کیهان عکسی از این رژه را منتشر کرد، بختیار (نخست‌وزیر وقت) مدعی شد که این عکس ساختگی و مونتاز است (یحیی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

در هر دو کشور نیروهای ارتشی در شرایط انقلابی در جمع مردم معترض حضور می‌یافتند و از فرماندهان خود مبنی بر مقابله با انقلابیون حمایت نمی‌کردند. همچنین در هر دو کشور در شرایط انقلابی قتل و یا اقدام به قتل فرماندهان توسط سربازان مشاهده می‌گردد. در ایران خونین‌ترین واقعه‌ای که در بدنه‌ی ارتش به وقوع پیوست، مربوط به عاشورای ۵۷ است که تعدادی از افسران انقلابی در پادگان لویزان به سوی افسران و درجه‌داران تیراندازی کرده و تعدادی را کشتند (قره‌باغی، ۱۳۶۸: ۷۳). در روسیه نیز قتل فرماندهان در موارد متعدد دیده می‌شود. به‌عنوان نمونه از کشتارهایی که در نیروی دریایی این کشور انجام شد می‌توان نام برد که طی آن چند افسر توسط سربازان زیردست خود کشته شدند (کارمایکل، ۱۳۶۳: ۷۰).

پیوستن ارتشیان به انقلابیون در روسیه، در اولین روزهای انقلاب صورت گرفت و ارتشیان جزء اولین گروه‌های انقلابی بودند (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۵۲). اما در ایران ارتشیان در آخرین روزهای انقلاب و به واسطه روش‌های تشویقی و تنبیهی که انقلابیون به کار گرفتند به مردم پیوستند (قره‌باغی، ۱۳۶۸: ۱۰۴-۱۰۱).

۶. مبارزه مسلحانه

مبارزه مسلحانه یک شیوه‌ی اعتراضی است که در تعداد زیادی از انقلاب‌ها توسط انقلابیون مورد استفاده قرار می‌گیرد. در دو کشور ایران و روسیه بر سر استفاده از اسلحه در شرایط انقلابی، اختلاف نظر وجود داشت و گروه‌ها و رهبران انقلابی در مورد بکارگیری این شیوه هم‌نظر نبودند. مثلاً در ایران امام خمینی(ره) به‌عنوان رهبر اصلی انقلاب در عین معتقد بودن به استفاده از قدرت نرم و روش‌های اعتراضی مسالمت‌آمیز علیه رژیم، بکارگیری شیوه‌ی مسلحانه را در مرحله‌ی آخر تجویز می‌کردند (هزاوه‌ای و باوربان، ۱۳۹۳: ۹۲). این در حالی بود که گروه‌هایی مانند فدائیان خلق همواره و از همان ابتدا معتقد به استفاده از اسلحه علیه رژیم حاکم بودند. آنها این شیوه را می‌پسندیدند و در میان مردم به تبلیغ آن می‌پرداختند (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۶: ۱۷۴). در روسیه بلشویک‌ها به‌عنوان سازمان‌دهندگان اصلی انقلاب، نظر مساعدی نسبت به مبارزه مسلحانه داشتند. لنین در مورد قیام مسلحانه خاطر نشان می‌ساخت که از تکالیف اصلی حزب، سازمان دادن پرولتاریا برای قیام، دست زدن به جدی‌ترین اقدامات برای تسلیح کارگران و رهبری قیام است (کلیموف، ۱۳۵۸: ۲۸-۲۷). اما منشویک‌ها در مورد بکارگیری این شیوه همواره با بلشویک‌ها هم‌نظر نبودند.

شیوه‌ی مسلحانه در انقلاب اسلامی ایران کم‌کاربردترین شیوه‌ی مبارزاتی بود. دلیل این امر را می‌توان در باورهای مذهبی و اعتقادات مردم و رهبران مذهبی انقلاب جست. امام خمینی(ره) در موارد متعددی تأکید می‌کرد که تصمیم دارد مسائل به صورت مسالمت‌آمیز و با شیوه‌هایی همچون راهپیمایی حل شوند و کار به استفاده از اسلحه نکشد. اما ایشان به‌طور کلی هم این شیوه را رد نمی‌کرد بلکه آن را به‌عنوان آخرین روش مبارزه تجویز می‌نمود (قاسم‌پور، ۱۳۸۵: ۲۱۵). اما در روسیه، بلشویک‌ها که رهبران اصلی انقلاب بودند، علاقه‌ی زیادی نسبت به مبارزه مسلحانه نشان می‌دادند. لنین که عنوان مهم‌ترین رهبر انقلاب روسیه را داشت، تکالیف اصلی حزب را تلاش برای تسلیح کارگران می‌دانست (کلیموف، ۱۳۵۸: ۲۸-۲۷).

۷. ارسال نامه‌های اعتراض‌آمیز

ارسال نامه به دربار و دولت و سایر مراجع، روشی اعتراض‌آمیز و فاقد خشونت بود که در جریان انقلاب‌های دو کشور مورد استفاده واقع شد. ارسال نامه‌های اعتراض‌آمیز در دو کشور قبل از سایر روش‌های اعتراضی به‌کار گرفته شد. این مسئله دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد. مانند مشروعیت قایل بودن برای رژیم حاکم، امید به اصلاح امور، بی‌خطر بودن این روش و...

در انقلاب اسلامی ایران اولین نامه‌ی اعتراض‌آمیز در اردیبهشت ۵۶ قبل از هر گونه اعتراض دیگری به نگارش درآمد. در روسیه هم اولین نامه‌ی اعتراضی در ژانویه ۱۹۰۵ نوشته شد و اتفاقاتی را به دنبال داشت که منجر به انقلاب ۱۹۰۵ شد.

با تحلیل محتوای نامه‌هایی که در هر دو کشور به صورت اعتراض‌آمیز ارسال گردیدند، مشخص می‌گردد که هدف از ارسال این نامه‌ها، انجام اصلاحات به منظور بهتر شدن شرایط موجود بوده است.

معترضان با امید به اینکه ارسال نامه ممکن است سبب اصلاح اوضاع کشور شود بدون هیچ‌گونه نیت انقلابی به ارسال نامه‌های اعتراضی روی آوردند. اغلب محتوای نامه‌ها مربوط به شکایت از نابسامانی‌ها، نارسایی‌ها، علامت انفجار از نظر اجتماعی و حقوق از دست رفته بود و همان‌طور که گفته شد هیچ نشانی از درخواست‌های انقلابی در آنها دیده نمی‌شد.

نکته‌ی مشترک در نامه‌های ارسالی در هر دو کشور، مقصر ندانستن شاهان دو کشور بود. یعنی تزار نیکلای دوم در کشور روسیه از نظر نویسندگان نامه فردی بی‌گناه و حداکثر بی‌اطلاع از شرایط کشور بود (دان، ۱۳۸۶: ۴۶). در ایران هم از نظر نویسندگان نامه‌ها، محمدرضا شاه بی‌گناه و بی‌اطلاع تشخیص داده شده بود و مشکلات موجود به علت ناکارآمدی دولت حاصل گشته بود (باقی، ۱۳۷۳: ۲۱۹-۲۱۸). بنابراین در دو کشور شاهان را بی‌گناه و بی‌تقصیر تصور می‌کردند و شکایت‌های خود را نزد آنها می‌بردند. در ایران نویسندگان و امضاکنندگان نامه‌ها را افراد تحصیل کرده و روشنفکر تشکیل می‌دادند. اما در روسیه نامه‌های اعتراض‌آمیز به دربار را کارگرانی که اغلب سواد نداشتند تنظیم و امضا می‌کردند و خبری از افراد تحصیل کرده در میان امضاکنندگان نامه نبود.

از نظر محتوای نامه‌های اعتراض‌آمیز در دو کشور هم باید گفت در اعتراض کارگران روسی به شیوه‌ی نامه‌نگاری، درخواست‌های اصلی مربوط به مشکلات اقتصادی و مادی کارگران مثل بهبود شرایط کار بود و تقاضاهایی مانند آزادی بیان و قلم در اولویت نبودند (پزشکزاد، ۱۳۸۳: ۲۹). اما در ایران معمولاً محتوای نامه‌ها، مشکلات و مسائل اقتصادی را در بر نمی‌گرفت و محور اصلی درخواست‌ها، آزادی‌های فردی و اجتماعی بود (نجاتی، ۱۳۷۱: ۲۳).

۸. پرتاب اجسام به سمت پلیس

پرتاب اجسام به سوی پلیس یکی از روش‌هایی بود که معترضان در انقلاب‌های ایران و روسیه بدان متوسل می‌شدند. انقلابیون خشمگین در مواجهه با پلیس که سعی می‌کرد با آنها مقابله کند، اجسامی مانند سنگ به سمت آنها پرتاب می‌کردند. البته این شیوه به صورت ناب به‌عنوان یک شیوه‌ی اعتراضی کاربرد نداشت بلکه به موازات سایر روش‌ها مانند راهپیمایی‌ها و هنگامی که پلیس قصد داشت از حرکت راهپیمایان جلوگیری کند، استفاده می‌شد. این شیوه در دو کشور تقریباً مشابه و بدون تفاوت مورد استفاده واقع می‌شد.

۹. ضرب و شتم مسئولان

هنگامی که در جامعه‌ای شرایط انقلابی ایجاد می‌گردد، مسئولان رژیم حاکم به خصوص کسانی که در سرکوب اعتراضات مردمی نقش داشته‌اند، منفورترین افراد می‌باشند. بنابراین انقلابیون به دنبال فرصتی هستند که از آنها انتقام بگیرند. بدین منظور تعداد زیادی از مسئولان رژیم در شرایط انقلابی حاکم بر جامعه مورد ضرب و شتم انقلابیون قرار می‌گیرند.

در ایران بیشترین حجم ضرب و شتم‌ها توسط انقلابیون مربوط به نیروهای ساواک بود. انقلابیون اگر کسی را به‌عنوان نیروی ساواکی شناسایی می‌کردند به سوی او حمله‌ور شده و وی را مورد ضرب و شتم

قرار می‌دادند (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶: ۳۰۷). در روسیه این ضرب و شتم‌ها بیشتر متوجه نیروهای پلیس بود. انقلابیون روسیه از نیروهای پلیس تنفر داشتند و آنها را فرعون می‌نامیدند. پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در موارد بسیاری مأموران پلیس مورد ضرب و شتم قرار گرفتند (سوروکین، بی‌تا: ۱۹-۲۰). استفاده از این شیوه در دو کشور تقریباً به صورت مشابه انجام می‌شد.

۱۰. ترور

ترور (ارعاب) به اعمالی مانند قتل سیاسی، آدم‌ربایی، بمب‌گذاری و... به قصد اخلال در روانشناسی فرد در توده‌ی اجتماعی گفته می‌شود (گرین، ۱۳۸۷: ۱۸۵). با نزدیک شدن به لحظه‌ی وقوع انقلاب‌ها از آنجا که شرایط از کنترل عوامل کنترل اجتماعی خارج می‌گردد، توسل به شیوه‌های اعتراضی خشونت‌بار همانند ترور افزایش می‌یابد.

به‌طور کلی بر طبق مشاهدات نگارندگان، در مورد روش‌هایی که خشم انقلابیون را به نمایش می‌گذارند و انقلابیون به وسیله‌ی آنها به نوعی حس انتقام‌جویی خود را ارضا می‌کنند، تفاوت فاحشی میان بکارگیری روش‌ها در انقلاب‌های کشورهای مختلف وجود ندارد.

در انقلاب‌های ایران و روسیه افرادی که مورد سوء قصد قرار می‌گرفتند و اغلب کشته می‌شدند، از مقامات رژیم حاکم بودند. در دو کشور، نیروهای پلیس از مهمترین قربانیان ترورها بودند. در کل کسانی که در رژیم منقر حاکم دارای منصب بودند در معرض این شیوه‌ی اعتراضی قرار می‌گرفتند. در هر دو کشور ترورها هم به‌صورت سازمان‌یافته و هم به‌صورت سازمان‌نیافته انجام می‌گرفتند. در ایران گروه‌هایی مانند گروه توحیدی صف، منصورون، مجاهدین خلق دست به ترورهای سازمان‌یافته می‌زدند. در روسیه هم گروه‌هایی مانند اراده خلق، آنارشویست‌ها و اِس اِر (انقلابیون اجتماعی)^۱ مشی ترور را برگزیده بودند. در بازه زمانی مورد نظر این پژوهش مهمترین گروهی که به ترور توسل جسته بود، گروه انقلابی اِس اِر بود. اما در انقلاب فوریه‌ی ۱۹۱۷ روسیه همان‌طور که در مورد سایر روش‌های اعتراضی گفته شد، عملیات به صورت خودجوش انجام می‌شد و خشم مردم در این دوره سازماندهی نشده بود (فایجس، ۱۳۹۰: ۴۸۴).

در ایران با توجه به اینکه ایدئولوژی انقلاب مذهبی و برخاسته از دین اسلام بود، و با توجه به تابوی قتل و ترور در اسلام، رهبران انقلابی مردم را به این شیوه‌ی اعتراضی توصیه نکردند. اگر چه بعضی گروه‌ها مانند فداییان خلق علاوه بر تشویق مردم به این شیوه، خودشان نیز بدان متوسل می‌شدند. اما آنها در جایگاه رهبران اصلی انقلاب نبودند و نمی‌توانستند بر خلاف نظر رهبران مذهبی مردم را جذب کنند. اما در مورد روسیه، از آنجا که ایدئولوژی انقلاب غیر مذهبی و ضد دینی بود، هر گونه روشی را برای رسیدن به هدف توصیه می‌کرد. بنابراین روش‌هایی همچون قتل نه تنها از چننه‌ی کنش روس‌ها طرد نمی‌شد بلکه رهبران اصلی انقلاب مردم را به انجام این اعمال تشویق می‌کردند (سوروکین، بی‌تا: ۶۴).

نتیجه‌گیری

در این مقاله ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در انقلاب‌های ایران و روسیه مورد مقایسه واقع شدند. تعدادی از ابزارها و شیوه‌ها شباهت‌های ظاهری زیادی با هم داشتند، اما در محتوا دارای تفاوت‌های اساسی بودند. اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها و مطبوعات ابزارهای مشترکی بودند که به منظور بسیج مردمی در انقلاب‌های دو کشور مورد استفاده واقع شدند. این ابزارها از لحاظ موضوع، ایجاد ارتباط میان مردم و رهبران تبعیدی و... در اغلب موارد شبیه به هم بودند. اگرچه این شباهت‌ها در بسیاری موارد تنها ظاهری بود و تفاوت‌های بسیاری در محتوای ابزارها مشاهده گردید.

در مورد ابزارها و شیوه‌های اعتراض در انقلاب‌های مزبور نتایج حاصل شد که بدین شرح می‌باشند: راهپیمایی‌ها یکی از شیوه‌های اعتراضی مشترک در دو انقلاب بودند که شباهت‌هایی در زمان و علت برگزاری آنها در دو کشور وجود داشت. اما در مواردی مانند نقطه‌ی شروع راهپیمایی‌ها کاملاً متفاوت بودند.

در هر دو کشور انقلابیون برای از پا در آوردن رژیم‌ها از لحاظ اقتصادی دست به اعتصاب می‌زدند. در ایران و روسیه در بازه‌ی زمانی مورد نظر، اعتصاب‌های فراوانی به وقوع پیوست. ابزار اعتراضی بعدی شعار است که در انقلاب‌های دو کشور مورد استفاده واقع شد. در جریان انقلاب‌ها شعارهایی که برگزیده می‌شوند، بیانگر ایدئولوژی انقلاب هستند. با توجه به تفاوت فاحشی که ایدئولوژی انقلابی در ایران و روسیه داشت طبعاً محتوای شعارهای انقلابی تفاوت بسیاری با هم داشتند. تأکید شعارهای انقلابی روسیه بر مسائل مادی دقیقاً در نقطه‌ی مقابل شعارهای انقلابی ایران که اغلب بر مسائل ارزشی همچون شهادت تأکید می‌کردند، قرار داشتند. ارسال نامه‌های اعتراض‌آمیز شیوه‌ی اعتراضی بعدی بود. علی‌رغم تفاوت‌های جزئی، نامه‌های اعتراض‌آمیز در دو کشور، بسیار شبیه هم بودند و اهداف اصلاحی داشتند.

شیوه‌های خشونت‌بار اعتراضی مانند مبارزه مسلحانه، انجام ترورهای انقلابی و حمله به اموال و اماکن که در هر دو کشور دیده می‌شوند، از بسیاری جهات شبیه هم بودند. مهمترین تفاوتی که میان بکارگیری این شیوه‌ها در ایران و روسیه می‌توان مشاهده کرد، عدم تمایل و فراخوانی رهبران انقلاب اسلامی به آنها و در مقابل ترغیب و تشویق انقلابیون روسیه به این شیوه‌های اعتراضی توسط رهبران انقلاب روسیه بود. سایر شیوه‌های خشونت‌بار در جریان انقلاب‌های ایران و روسیه مانند ضرب و شتم و پرتاب اجسام، تقریباً شبیه به هم و فاقد تفاوت آشکاری بودند. طغیان و تمرد ارتشی‌ها هم از جمله روش‌های اعتراضی بود که در هر دو انقلاب توسط این قشر به اجرا درآمد. ارتش ایران در روزهای پایانی و با تلاش‌ها و تبلیغات رهبران انقلاب اسلامی به انقلابیون پیوست. اما ارتش در روسیه جزء اولین گروه‌های انقلابی بود و این مهمترین تفاوت الحاق ارتش به انقلابیون در دو کشور بود.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۵۴)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، جلد ۱، تهران: جیبی.
- آزاده، ج (۱۳۵۹)، *انقلاب روسیه*، ترجمه م، سینا، تهران: انتشارات مازیار.
- آلگار، حامد (۱۳۶۰)، *انقلاب اسلامی ایران*، ترجمه مرتضی اسعدی و حسین چیذری، تهران: انتشارات قلم.
- احمدپور، بابک (۱۳۸۹)، *سیر تحول ابزار و شیوه‌های بسیج و اعتراض از نهضت تنباکو تا انقلاب اسلامی ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- اقدسی، مجیدرضا (۱۳۸۹)، *انقلاب اسلامی ایران از دی ۵۶ تا بهمن ۵۷*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۳)، *انقلاب ایران در دو حرکت*، تهران: چاپ نراقی.
- باقی، عمادالدین (۱۳۷۳)، *تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران (مجموعه برنامه داستان انقلاب از رادیو بی‌بی‌سی)*، قم: نشر تفکر.
- بریتون، کرین (۱۳۶۳)، *کالبدشکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۰)، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهشتی سرشت، محسن (۱۳۹۱)، *زمانه و زندگی امام خمینی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- پزشکی زاد، ایرج (۱۳۸۳)، *مروری در تاریخ انقلاب روسیه*، تهران: نشر قطره.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۱)، «شعرهای انقلاب اسلامی»، *فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۴، صص ۲۲۰-۲۱۳.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی شعرهای انقلاب اسلامی*، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۵)، «ارزش‌های جهاد و شهادت در شعرهای انقلاب اسلامی»، *فصلنامه نامه علوم اجتماعی*، سال پانزدهم، شماره ۱، صص ۸۹-۵۹.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۱)، *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها*، تهران: سمت.
- تروتسکی، لئون (۱۳۸۷)، *تاریخ انقلاب روسیه*، ترجمه سعید باستانی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵)، *از بسیج تا انقلاب*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- دان، جان ام (۱۳۸۶)، *انقلاب روسیه*، ترجمه‌ی سهیل سَمی، تهران: انتشارات ققنوس.
- دلاپورتا، دوناتلا و دیانی، ماریو (۱۳۹۰)، *مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی (۱۳۷۶)، *روزشمار انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات سوره.
- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی (۱۳۷۹)، *روزشمار انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات سوره.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۵۷)، *عزیر و دو انقلاب*، تهران: انتشارات چاپار.
- سوروکین، پیتریم (بی‌تا)، *اوراق خونین انقلاب اکتبر*، ترجمه هوشنگ مستوفی، تهران: خوشه.

- سمتی، محمدهادی (۱۳۷۵)، «نظریه بسیج منابع و انقلاب اسلامی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۳۵، صص ۱۷۶-۱۳۵.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۳)، «نقش و عملکرد دین در وضعیت انقلابی، بررسی تطبیقی انقلاب فرانسه و ایران»، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۳، صص ۶۶-۲۸.
- فایجس، اورلاند (۱۳۹۰)، *تراژدی مردم*، ترجمه احد علیقلیان، جلد‌های اول و دوم، تهران: نشر نی.
- قاسم‌پور، داوود (۱۳۸۵)، *دهه‌ی سرنوشت‌ساز*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قره‌باغی، عباس (۱۳۶۸)، *اعترافات ژنرال*، تهران: نشر نی.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۰)، *داستان انقلاب*، تهران: نشر علم.
- علی‌اکبری بایگی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، *تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران از مهاجرت امام خمینی به پاریس تا پیروزی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کارمایکل، جوئل (۱۳۶۳)، *تاریخ انقلاب روسیه*، ترجمه هوشنگ امیر مگری، کرمانشاه: رازی.
- کلیموف، یوری (۱۳۵۸)، *حزب بلشویک و انقلاب دموکراتیک روسیه*، ترجمه جعفر جهانخوش، تهران: صلح.
- کوهن، آوین استانفورد (۱۳۶۹)، *تئوری‌های انقلاب*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: قومس.
- گرین، توماس اچ (۱۳۸۷)، *جنبش‌های انقلابی معاصر*، ترجمه رشید شایگان‌پور، اهواز: رشس.
- گزایوه کوکن، فرانسوا (۱۳۶۹)، *انقلاب روسیه*، ترجمه عباس آگاهی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- لوکزامبورگ، رزا (بی‌تا)، *اعتصاب توده‌ای حزب سیاسی*، ترجمه‌ی رهرو، تهران: انتشارات یاشار.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۸)، «انقلاب اسلامی در میان انقلاب‌های بزرگ جهان»، *فصلنامه کتاب نقد*، سال چهارم، شماره سیزدهم، صص ۴۹-۳۴.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۲)، *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه*، تهران: دفتر نشر معارف.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۷۴)، *اسناد انقلاب اسلامی*، جلد چهارم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۶)، *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک*، تهران: مرکز بررسی اسناد وزارت اطلاعات.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (۱۳۸۱)، *ایدئولوژی، رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی)*، جلد اول، تهران: نشر عروج.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱)، *تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)*، جلد دوم، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- نواختی‌مقدم، امین و میرزانژاد، مرتضی (۱۳۹۲)، «بررسی نقش رسانه‌های گرم و سرد بر پایه‌ی نظریه مک لوهان در روند تسریع پیروزی انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۲، صص ۲۱۴-۱۷۸.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۵)، «مروری بر نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی»، *مجله راهبرد*، شماره ۹، صص ۱۵۶-۱۰۷.

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، *درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- میرصمدی، فائقه‌السادات و فتاح‌پور، حسین (۱۳۸۹)، «امام (ره) از اعتصاب‌های خودجوش حمایت کرد»، *هفته‌نامه پنجره*، شماره ۶۸، آبان ۱۳۸۹.
- هزاوه‌ای، سیدمرتضی و باوربان، فریده (۱۳۹۳)، «واکاوی استراتژی مبارزاتی امام خمینی (ره) در فرآیند انقلاب اسلامی»، *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال سوم، شماره دهم، صص ۹۴-۷۱.
- یحیی‌پور، ایرج (۱۳۸۸)، «نقش ارتش در انقلاب اسلامی، مطالعه‌ی موردی- همافران»، *فصلنامه مطالعات تاریخی - نظامی*، سال اول و دوم، شماره‌های پنجم و ششم، صص ۱۷۴-۱۴۹.
- Gamson, William. (1975). *The Strategy of Social Protest*. Homewood: The Dorsey Press.
- Abrahamian, Ervand. (1980). "Structural Causes of the Iranian Revolution," *MERIP Reports*, No. 87, *Iran's Revolution: The Rural Dimension* (May, 1980), pp. 21-26.
- Wilson, John. (1973). *Introduction to social Movements*. New York: Basic Books.